معماری و روانشناسی رفتار متقابل در محیط انسان ساخت

مریم انجم روز،امید رهایی

1-کارشناسی ارشد، معماری، شیراز

2-دکترا، معماری، استادیار دانشگاه شهید رجایی دانشکده معماری تهران

Architecture and psychology made interactions in the human environment

Maryam Anjomrooz, Omid Rahayi

1-Master’s Degree, Architecture, Shiraz

2-PHD, Architecture, Assistant Professor Shahid Rajaee University Faculty of Architecture Tehran

Maryamanjomrooz@gmail.com

O.rahaei@gmail.com

**چکیده**

در سال های اخیر گزارش های زیادی درباره نارضایتی و بی طاقتی مردم از وضع روانپزشکی در همه جا بوده است. برای بسیاری از مردم درست مثل این است که یک آدم کور در یک اتاق تاریک دنبال یک گربه سیاه بگردد که اصلا آنجا نیست.کتابها و مجلات علم روانشناسی و روانپزشکی می گویند که درمان روانکاوی خوب است ولی این که درمان چه هست و چه کاری انجام می دهد هنوز کاملا روشن نیست .آنچه از.روان \_ درمانی در ذهن افراد جامعه شکل گرفته بود چیزی به جز اتاقی تاریک و ساکت و یک کاناپه و یک دکتر نبود. این مقاله که بر مبنای مطالعات کتابخانه ای شکل گرفته است، به بررسی رفتار متقابل افراد در محیط تحت تاثیر معماری میپردازد و در پی آنست تا نشان دهد، معماری فضاهای درمانی مرتبط میتواند موجب بهبود وضعیت روانی افراد و متقابلا ارتقای کیفیت درمانی آنها داشته باشد.

**کلمات کلیدی:** تحلیل رفتار، روانشناسی، معماری، محیط

**Abstract**

in the recent years, many studies reported dissatisfaction and intolerance of people for psychiatry status. For most people it is like k blind man in the dark room who tries to find a black cat which does not exist there. Psychology and psychiatry books and journals says psychoanalysis is useful but still is not clear how exactly it works. All the people know about psychiatry is nothing beyond a silent dark room, a sofa, and a doctor. This essay is based on library studies and studies on translational analysis in architectural environments, and it tries to find out whether related architectural environments leads to cure mental status of people and mutually improves the quality of their therapy.

**Keywords:** behavior analysis (transactional analysis), psychology, architecture, environment

**مقدمه**

دکتر اریک برن (1958) مقاله‌ی مشهور و تأثیرگذار خود را، با عنوان "تحلیل رفتار متقابل: روشی بدیع و کارا برای گروه-درمانی"، منتشر کرد.این مقاله مبنایی بود برای نظریه‌ای جدید، که کم کم با عنوان "تحلیل رفتار متقابل" (Transactional Analysis) یا به اختصار TA شناخته شد. اریک برن که طی سالیان دراز به مطالعه‌ی رفتار انسان‌ها پرداخته بود، به سرعت نظریه‌اش را توسعه داد تا جایی که کتاب مشهور بازی‌ها (Games People Play) که در سال 1964 به چاپ رسید، تبدیل به یکی از پرفروشترین کتاب‌های دهه‌ی 70 گشت سال‌های 1964 تا 1970، سال‌های بسیار پرکاری برای اریک بود. وی در طی همین سال‌ها "انجمن بین‌المللی تحلیل رفتار متقابل" (ITAA) را پایه‌گذاری کرد که امروزه مهمترین مرجع برای علاقمندان این نظریه است. از جمله خصوصیات نظریه‌ی اریک برن استفاده از کلمات ساده و همه‌فهم برای بیان مقصود است. در تحلیل رفتار متقابل اثری از کلمات پیچیده‌ی روانشناسی فرویدی دیده نمی‌شود. کلماتی که حتی در تعریف آن‌ها هم بین روانشناسان اختلاف است! ضمناً مفاهیمی انتزاعی چون من، فرامن، و نهاد هم در نظریه‌ی برن جایی ندارند. اما همین استفاده از کلمات ساده باعث شد، برخی نویسندگان با سوءاستفاده از سادگی این کلمات و ارائه‌ی تفسیرهایی بیش از حد ساده شده از نظریه‌ی اریک برن، این نظریه را به عنوان یک نظریه‌ی روانشناسی سطحی و عامیانه معرفی کنند. و بسیاری از روانپزشکان هم که علاقه‌ای به شیفت پارادایمی نداشتند با عنوان "روانشناسی عامه" از این نظریه یاد می‌کردند. اما با گذشت زمان، و تلاش برخی شاگردان اریک برن، کم کم نظریه‌ی تحلیل رفتار متقابل از جایگاه خوبی در بین روانشناسان برخوردار شد. تحلیل رفتار متقابل بنا به تعریف ITAA نظریه‌ای است در مورد شخصیت و روش منظمی است برای روان درمانی به منظور رشد و تغییرات شخصی. از جمله خصوصیات این نظریه این است که فرایند درمان دیگر فرایندی یک سویه نیست بلکه درمان به صورت روشی منظم برای آشنایی با این نظریه و همزمان کشف و شهود شخصی در آمده است. در فرایند درمان با کمک این نظریه، درمانگر و بیمار هر دو همزمان در کار درمان دخیل هستند. در واقع درمانگر تنها به بیمار کمک می‌کند تا اصول نظریه را درک کند و پس از آن این خود بیمار است که باید مشکلاتش را کشف و آن‌ها را رفع کند. و البته در این راه درمانگر به بیمار کمک خواهد کرد. محیط درمانی در درک مشکلات بیمار بسیار موثر است. از آنجا که این نظریه راهکارهایی برای درمان‌های فردی، گروهی، زوجی و خانوادگی ارائه می‌کند و در عین حال به افراد کمک می‌کند تا در ارتباطات خود با دیگران آگاهانه از رفتارهای مخرب پرهیز کنند، در تحلیل رفتار نقش محیط و رفتار اجتماعی از اهمیت فراوانی برخوردار است. درنهایت هر فرد مسئول زنذگی در رفتار خود بوده و باید به نقش خود در زندگی توجه نماید.

**نظریه تحلیل رفتار متقابل**

تحليل رفتار متقابل نـظريه اي است در موردشخـصيت، روش منظمي اسـت براي روان درماني كه به منـظور رشد و تغييـرات شخـصي بكار مي رود. تحليل رفتار متـقابل، تصويري از ساختار روانشناختي انسانها به ما ارائــه مي دهد كه مي توان در زماني كوتاه به مقاصــد درماني رسيد .( ونز جونزيان، ترجمه دادگستر، صفحه21).

اين نظريه با ارائـه ي يك الگوي 3 بخشي تحت عنوان حالات نفساني، عرضــه مي شود. همين الگوي شخصـيتي به ما كمــك مي كند تا دريابيــم انــسانها چگونه عمل و رفتار مــي كنند و اينكه چگونه شخصيت خود را در قالب رفتارهايشان آشكار مي سازند .تحليل رفتار متقابل همچنـين نظريه اي براي ارتبــاطات فراهم مي آورد ، كه مي تــواند براي تجزيه و تحليل سازمانها و مديريت نيز بكار رود. )ونزجونزيان، ترجمه دادگستر،صفحه21).

.مفــهوم پيش نويس زندگي بيانگر اينست كه چگونه الگوهاي كنوني زندگي ما ريشه در دوران كودكي دارند . در چهار چوب پيش نويس زندگي است كه شيوه هاي زندگي دوران بزرگسالي ما باز نوازي مـي شود به عبارتي اين باز نوازي ها از پيــش نويس زندگي است كه موجب رفتار ما در بزرگســـالي ميگردد حتي اگر نتايجي به بار آورد كه موجب عناد به خود شود و يا بسيار درد ناك باشد . از اين رو تحليل رفتار متقابل به ما نظريه اي آسيب شناســي رواني را ارائه مـي دهد .در حوزه ي كاربرد عملي ، تحليل رفتار متقابل ، يك نظام روان درماني را به ما معرفي مي نمايد و در نتيجه در درمان انواع اختلالات رواني ، از مشكلات روزانه گرفته تا روان پريشي هاي بسيار عميق ، به كار مي رود .نظريه ي تحليل ارتباط علاوه بر حوزه ي درماني ، در مراكز آموزشي ، سازمانها مديريت ، آموزش ارتباطات ، و پليس و... كاربرد هاي بي نظير و خاصي دارد . به طور كلي تحليل رفتار متقابل در هر زمينه اي كه نياز به درك افراد ، روابط و ارتباطات باشد مي تواند به كار رود. (ونز جونزيان، دادگستر، صفحه 22).

**پایه و اساس نظریه تحليل رفتار متقابل**

پايه و اساس نظريه تحليل رفتار متقابل مبتني بر چند نظريه كليدي مي باشد كه سبب مي شود اين نظريه از ساير ديد گاههاي روانشناسي متمايز شود با توجه به اينكه عنصر اصلي در اين نظريه مبتني بر كسب آگاهي مي باشد ،‌آگاهي از خود ، حالات نفساني و ساير موارد .پس اين نظريه از گشتالت بهره مي برد، همينطور از سايكودراما كه تكنيكهاي مشتركي با تحليل رفتار متقابل دارد و مهمتر از همه ديدگاه شناختي است چون اصول اين نظريه بر شناخت از احساسات و تفكرات پايه ريزي شده است و همينطور از تكنيكهاي رفتاري نيز بهره هاي فراواني گرفته است .برن روانكاوي را به مقوله ي هسته و روش تحليل ارتباط را به مقوله ي سيب مي داند اين تعبير بدان معني است كه هسته ساده تر و راحت تر در داخل سيب مي گنجد تا سيب در داخل هسته . و اين خود گواهي براي استفاده از اصول روانكاوي در تحليل رفتار متقابل مي باشد. (شفيع آبادي، 1377)

**منطق رويكرد گروهي تحليل رفتار متقابل**

تمرينهاي تحليل رفتار گروهي براي اعضا خيلي مفيد و كارساز مي باشد . برن به اين معتقد بود كه گروه درماني با روشن كردن طرح هايي كه فرد براي زندگي تعيين كرده است خيلي سريعتر از درمان فردي به افراد كمك مي كند .(كوري،2000،صفحه 340).گولدينك ها درماني مبتني بر باز تصميمي را معرفي نمودند كه راهكارهايي به مراجعان ارائه مي دهد تا بتوانند تجربيات جديدي را به دست آورده و تصميماتي را كه در پيش نويس زندگي گرفته اند را تغيير دهند، به صورتيكه باز تصميمي كنند . اين روش شبيه كار هايي است كه در گروههاي گشتالت درماني انجام مي شود و بر اينجا و اكنون تأكـيد دارد. تفاوت گروههاي تحليل رفتار با گشتالت درماني اينست كه در اينجا اعضاي گروه با معرفي اعضاي خانواده خود از گذشته تا حال به آگاهي بيشتري مي رسند و باعث مي شود كه تعامل و برخورد اعضاي گروه با يكديگر بيشتر شود .اعضاي گروه با معرفي خودو خانواده از گذشته تا به حال باعث مي شوند كه نزديكي بيشتري با سايرين داشته باشند ، بيان مسائل زندگي تك تك اعضاي گروه باعث مي شود كه مسائل ملموس تر باشد . با شناسايي تصميمات اوليه اي كه افراد گرفته اند و احساس ارزشهايي كه آنها از آن تصميمات به دست آورده اند ارتباط و تعامل آنها با يكديگر افزايش يافته و آنها ترجيح مي دهند كه با واقعيات و مسائل روز درگيري پيدا كنند .(كوري،2000).باز تصميمي عبارت است از يك تصميم دوباره اي كه صادقانه و با توجه به شناخت فرد از تصميمات اوليه نادرست گرفته شده باشد .روبرت گولدينگ باز تصميمي را اينگونه تعريف مي كند : پيش بيني يك تجربة جديد در زندگي به صورتي كه اعضا بتوانند طبق اين تصميمات و تجربيات جديد در رابطه با اعضاي خانواده ، دوستان و ساير افراد اجتماع موفق باشند و از عهدة ارتباط با آنها بر آيند. (كوري، صفحه 340)

بسياري از روانشناسان معتقدند كه مشاوره گروهي سيستم مداخله اي بي مانندي است كه مفاهيم ، راهنمايي و درمان را از طريق تعامل افراد با يكديگر در گروه بيان مي كند كه اين فرايند به نوبه خود نوعي روان درماني خاصي را ارائه مي دهد .(رابرت سي، گري، كوين،صفحه 16 ).در مشاورة گروهي از نظريه هاي مختلفي استفاده مي شود ، يكي از نظريه هاي كاربردي در مشاوره گروهي رويكرد تحليل رفتار متقابل مي باشد .اين نظريه براي به كارگيري در گروه و گروه درماني ، رويكردي عامي و مناسب است . برن معتقد است كه درمان گروهي اطلاعات بيشتري را درباره ي برنامه هاي شخصي زندگي فرد ارائه مي دهد . در رويكرد فردي تعامل بين دو نفر (مشاور و مراجع) برقرار مي شود در حاليكه در گروه فرد از تجارب بيشتري استفاده مي كند و براي كسب مهارتها زمان كمتري را صرف مي نمايد (نوابي نژاد ،شكوه، صفحه 118).از طريق روش تحليل رفتار متقابل و تعامل گروهي به اعضا كمك مي شود تا در سطح مقبول و مناسبي با ديگران ارتباط برقرار كنند و آگاهي و ارتباط خود را با ديگران فزوني بخشند.

**کارگاه های مشاوره گروهی**

تحليل ارتباط عمدتاً مبتني بر رضايت اعضا مي باشد بدين صورت كه اعضاي شركت كننده در گروه با رهبر گروه قرارداد و پيماني را منعقد مي كنند كه بر مبناي آن اعضاي گروه اهداف شخصي را بيان مي نمايند در اين صورت كار گروهي در جهت رسيدن به اهداف آنها مي باشد. به عبارتي قراردادها كليد درماني TA مي باشند. بستن قرارداد سبب مي شود كه اعضا احساس كنند كه در يك موقعيت واقعي قرار دارند حتي مكاني را كه براي قرارداد انتخاب مي كنند نيز حائز اهميت مي باشد و به اعضا مسئوليت ويژه اي در جهت تغيير ارائه مي دهد. (كوري، 2000، صفحه 350).تحليل طرح زندگي هر يك از اعضاي گروه مبتني بر نمايش اصلي خانواده است اعضا از طريق فرايند اجراي بخش هايي از زندگي در جلسات گروهي، درباره منع ها و باز داري هاي دوره ي كودكي و تصميماتي كه در پاسخ به اين پيام ها گرفته اند، آگاهي مي يابند. رهبر گروه مي تواند درباره نمايش خانواده ، از طريق دريافت تاريخچه تجارب كودكي اعضا اطلاعاتي گرد آوري كند. از اعضا خواسته مي شود تا نوع نمايشي را كه در خانواده اجرا شده به روي صحنه بياورند.( نوابي نژاد، شكوه، صفحه) 122 .از شروع جلسات افراد مي آموزند كه درمان سهيم شدن در مسئوليت مي باشد يعني با مسئوليت پذيري درمان آغاز مي گردد، اين امر بدان معني مي باشد كه اعضاي گروه بي تحرك و بي تفاوت نمي نشينند و منتظر اين نمي شوند كه رهبر فقط آنها را هدايت كند بلكه خودشان نيز مسئول هستند اعضاي گروه موافق هستند كه بر روي مسئله و مشكل خاصي متمركز شوند و با هم فعاليت نمايند براي مثال : خانمي كه در گروه و كنش حاد بحراني دارد با بستن قرار خود را ملزم مي كند كه رفتارش را تغيير دهد. و در قرار دادش از اعضا مي خواهد كه به او كمك تا او بتواند در مدت مشخص و تعيين شده اي تجارب خود را تغيير دهد.( كوري، 2000، صفحه350).ديوسي (1983) ادعا دارد كه واضح نوشتن قرارداد درماني به خوبي موضع بيمار را نسبت به درمان مشخص مي كند.(ديوسي، 1983).قرارداد يك توافق بالغ – بالغ ميان درمانگر و مراجع در مورد فرايند ها و اهداف مورد نياز مي باشد. قراردادها به منظور ابزارها يي عملي براي كمك به افراد بسته مي شوند تا مراجعان بتوانند به خودشان كمك كنند به دليل اينكه مراجعان اغلب جديت لازم را ندارند.

انستیتو تحلیل رفتار متقابل "برن": جلسات مشاوره ای گروهی

انستیتو تحلیل رفتار متقابل "برن": جلسات آموزشی

**موسسات درمانی تحلیل رفتار فردی**

این موسسه نهادی است اجتماعی که بر حسب ضرورت تداوم حیات و حفظ بقای انسان ها و بازگشت به تندرستی و معالجه امراض به تدریج در تاریخ زندگی اجتماعی مردم پدیدار گشته و همراه با تکامل و توسعه علوم به شکل امروزین آن در آمده است. بنابراین تاریخ موسسه با تاریخ پزشکی در آمیخته است و در حقیقت رشد و پیشرفت این موسسه ها متاثر از پیشرفت و توسعه روز افزون پزشکی است. بر اساس موارد مطرح شده فوق میتوان به این نتیجه قطعی رسید که ارتقای تعاملات اجتماعی افراد در چنین محیطهایی و نیز استفاده از شیوه های درمانی گروهی بسیار موثر است که این امر فقط به کمک معماری امکان پذیر است.

تعامل اجتماعی و برقرای ارتباط، می تواند یک موضع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت های متناسب و در نتیجه نقش پذیری مردم در فضا و عضویت آنها در گروهها و شبکه های اجتماعی است ) دانشپور و چرخچیان،22:1386(. ساده ترین عنصرزندگی مشترک انسانی، کنش اجتماعی است. کنش اجتماعی، سلسله حرکات بارزی است که انسان برای دستیابی به هدفی نسبت به انسانی دیگر انجام می دهد. افراد به برقراری رابطه اجتماعی نیاز ذاتی دارند و به همین دلیل موقعیت هایی فراهم می آورند تا بتوانند رابطه اجتماعی را تجربه کنند (دانشپور و چرخچیان،22:1386).

می توان گفت عوامل مختلفی بر نوع و میزان تعاملات اجتماعی افراد تاثیر می گذارند که از آن جمله می توان ویژگی های فردی، اجتماعی، فرهنگی و ... را نام برد.( لنگ، 187:1381).

شناخت کافی انسان و ارتباطاتش در شکل گیری کالبدی محیط برای تعامل بیشتر موثر می باشد افراد مختلف به سطوح مختلفی از تعامل اجتماعی تمایل دارند تعریف سطح مطلوب تعامل به طور ذهنی از گفته های مردم و به طور عینی از موضع گیری هنجاری نسبت به زندگی خوب به دست می آید. هر دو تعریف از ارزش بالایی برخوردارند و دارای جهت گیری اجتماعی و سیاسی هستند (لنگ، 1381).

فضای مطلوب تمایل به حضور افراد را افزایش می دهد. با الهام از الگوی سلسله مراتبی نیازهای انسانی مازلو سلسله مراتب نیازهای انسانی در فضا که این نیازها شامل دسترسی ، آزادی فعالیت، ادعا کردن، انطباق ون مالکیت می باشد نیز باید مورد توجه قرار گیرد(عباس زادگان، 1380).

**اجتماع پذیري در معماری**

مسئله اجتماعی پذیری در فضای معماری در ارتباط با ایجاد روابط اجتماعی مطلوب و افزایش فرصت های تعامل اجتماعی در ارتباطات فردی و فرافردی (گروهی) مطرح می شود (صالحی نیا و معماریان، 8:1388) براساس نظر «جان لنگ» در قلمرو عمومی شهری الگوهای تعامل اجتماعی و قابلیتهای فضای معماری ساخته شده دارای اهمیت ویژه ای میباشند دلیل اصلی این مساله این است که میان تعامل اجتماعی و دلبستگی مردم به محیط های اجتماعی و ساخته شده رابطه ای تنگاتنگ وجود دارد. اجتماع پذیری که مبتنی بر حضورمردم در فضاهای شهری و تعاملات اجتماعی بین آنهاست بر پایه نیاز انسان به حسن «تعلق اجتماعی» و «بودن با دیگران» قرار دارد (حافظی فر، 1389). در مطالعات «هال» محیط به دو دسته محیط اجتماع پذیر و محیط اجتماع گریز دسته بندی شده اند. محیط های اجتماع پذیر موجب تشویق و ترغیب تعاملات جمعی می گردند و محیط های اجتماع گریز تعاملات جمعی را کم می کنند (دانشگرمقدم و همکاران، 29:1389).

براساس تعریف فضاهای «همفری اسموند» استفاده از واژه های «فضاهای اجتماع پذیر» یا «فضاهای اجتماع دوست»، «گردهم آورنده و اجتماع گریز»، یا «فضاهای پراکنده کننده» بیانگرکیفیات فضایی است که مردم را دور هم جمع می آورند یا از هم دور می کنند (دانشگرمقدم و همکاران، 29:1389) در مجموع و با توجه به تعاریف و دیدگاه های مطرح شده، منظور ما از اجتماع پذیری فضا قابلیتی از فضاست که درآن فضا کالبدی براساس کیفیات وشاخص های فضایی خود موجب تشکیل کانون های فعالیت و اشتیاق به تعاملات اجتماعی در قسمت هایی خاص از فضا می گردد که در ارتباط با ایجاد روابط اجتماعی مطلوب و افزایش فرصت های تعاملات اجتماعی در ارتباطات فردی و گروهی مطرح می شود.

در بسیاری از محیط های انسان ساخت توجه به محیط طبیعی از بعد تامین کننده ى منظره ی زیبا مدورد توجه قرار گرفتده است. گرچه دیدگاه های جدیدتر بر لزوم بسط این رویکرد به لورتی همه جانبه تأکید مى کنند.

نحوة ادراک طبیعت در محیط بر سه رو یکدرد کلی دلالت دارد : رویکرد نخست ادراک طبیعت را مشتمل بر ادراک حسی و ادراک ذهنی می داند. ادراک حسی بر زیبایی شناسی بصری و ادراک ذهنی بر زیبایی شناسی نمادین، معانی نمادین و معانی ضمنی در رابطه با مکان دلالت دارد. رویکرد دوم ادراک طبیعت در محیط را شامل سه وجه ادراک مستقیم ، ادراک غیر مستقیم و ادراک نمادین می داند. در این رابطه ادراک مستقیم بر حضور مستقیم عناصر طبیعی در محیط، ادراک غیرمستقیم بر جنبه های تاریخی و فرهنگی همچون تداعی ها در محیط و ادراک نمادین بر تعاملات متعالی انسدان و عناصر طبیعی در محیط دلالت دارد. علاوه بر این رویکرد اپلیارد نیز به ادراک محیط شامل ادراک عملیاتی ، ادراک استنباطی ، ادراک عاطفی است که در ارتباط با ادراک طبیعت در محیط انسان ساخت قابل توجه می باشد. امکان تجربه و دریافت محیط و عناصر طبیعی در محیط انسان ساخت به مثابه قابلیت محیط بر چگونگی نظام های فعالیت و سامانه های رفتاری در محیط موثر می باشد (دانشگر مقدم و همکاران، 1389، 29).

ادراک طبیعت در محیط کالبدی دارای وجهی جمعی است. اجتماع پذیری فضا متاثر از مؤلفه های متعددی است که امكان تعامل با محیط و عناصر طبیعی یكی از مجموعه مؤلفه های دلالت کننده بر این کیفیت می باشد. چگونگی ارتباط فضای معماری با محیط طبیعی و عناصر طبیعی موجب پدید آمدن کیفیتی در فضا می گردد که خود بر اشتیاق به فعالیت های جمعی در آن فضا موثر است. مشخصه ها و ویژگی های فضاها در ارتباط با بستر طبیعی، حضور عناصر طبیعی در فضا، چشم اندازهای طبیعی، ادراک مستقیم رویدادهای طبیعی در فضای فعالیت، آسایش متاثر از تعادل متغیرهای فیزیكی محیط مانند دما، تهویه طبیعی و...، استفاده از بر موقعیت و کیفیت کانون فعالیت های جمعی تاثیر می گذارند.هرگاه محیط ساخته شده امكان ادراک طبیعت و عناصر طبیعی را در فضا فراهم آورد، ادراک طبیعت اثر معناداری بر اجتماع پذیری فضا داشته، موجب تمرکز فضایی و تشكیل کانون های فعالیت در نقاط خاصی از فضاهای فعالیت می گردد (دانشور مقدم و بحرینی و عینی فر، 1390: 33و34).

**نتیجه گیری**

بخش عظيمي از مطالعات موجود به ابعاد كالبدي و فعاليتي مكان يعني پاسخ به نيازهاي اوليه انسان اشاره دارند و ابعاد اجتماعي و معنايي در معماری فضاهای درمانی روانی، عليرغم اهميت آن، كمتر مورد توجه قرار گرفته است. حال اگر به مدل مكان از يك سو و مدل نيازهاي انسان از سوي ديگر بنگريم، خلق فضاهاي پاسخگو هنگامي ميسر خواهد بود كه ابعاد مختلف مكان و نيازهاي انسان در مكان در سطوح مختلف، مورد توجه قرار گيرند.بنابراين به نظر ميرسد اگر فضاهای مشاوره درمانی که مدنظر این پژوهش بوده اند جنبه های فعالیت های اجتماعی افراد را درنظر بگیرند و زمینه ساز روابط و تعاملات اجتماعی بهتری باشند، تاثیر مشاوره ها و روشهای درمانی بسیار بیشتر خواهد بود. فضاهايي كه زمينه ساز تعامل مطلوب انسان - انسان و انسان - مكان، بوده و به نيازهاي برتر انسان نيز پاسخگو باشند. نتايج تحقيق حاضر حاكي از آن است كه علاوه بر مؤلفه هاي مختلف بعد كالبدي (آسايش و امنيت، دسترسي، كيفيات بصري، عوامل طبيعي و وجود تسهيلات و امكانات) و فعاليتي فضاهاي عمومي (تنوع فعاليتي و اشتغال فعال و غيرفعال)، عواملي چون: تأمين خلوت و حريم، نوع رويدادهاي اجتماعي مكان و وجود فضاهاي تجمع مي توانند در بهبود بعد اجتماعي اين فضاها نقش مؤثري داشته باشند. علاوه بر اين، مطالعات ارايه شده در بخش پاسخگويي معنايي نشان ميدهد وجود نشانه ها و عوامل به یاد آورنده خاطرات قدیم، تصور و تشخص مكان، وابستگي های اجتماعي خلق تجارب معنادار، مشاركت در فرايند طراحي و در نهايت عامل زمان، از جمله عواملي هستند كه در ارتقاء بعد معنايي فضاهاي مشاوره و درمان مؤثر ميباشند.

ایجاد ویژگی اجتماع پذیری در این فضاها، با ایجاد تمایل به حضور مجدد در این فضاها در افراد استفاده کننده، امكان برخوردهای اجتماعی را افزایش می دهد. ادراک طبیعت از جمله مولفه های تاثیر گذار بر کیفیت این فضاهاست و محیطی که امكان ادراک طبیعت را چه از نظر بصری و چه از نظر فیزیكی فراهم آورد، تاثیر بسزایی در شكل گیری تعاملات اجتماعی و بهبود وضعیت درمان و مشاوره می تواند داشته باشد.

بر اساس موارد مطرح شده میتوان گفت که نظریه رفتار متقابل و شیوه های درمانی آن ناز به محیطهایی دارد که به لحاظ معماری موجب ارتقای تعاملات اجتماعی افردا شده و برخی خاطرات گذشته را برایشان یاداور باشد. ضمنا ادراک محیط طبیعی در فضای بسته معماری و نیز ورود طبیعت چه به لحاظ کالبدی و چه به لحاظ معنایی در فضاهای درمان بسیار موثر است.

**مراجع:**

* پاکزاد، حمیدرضا، (1388) مبانی نظری و فرایند طراحی شهری تهران، انتشارات شهیدی، چاپ سوم
* دانشپور، عبدالهادی، چرخپیان مریم، (1386) فضاهای عمومی و عوامل موثربر حیات جمعی، مجله باغ نظر، شماره 7:28-19
* دانشگرمقدم، گلرخ، بحرینی حسین، عینی فر علیرضا، (1390) تحلیل اجتماع پذیری محیط کالبدی متاثر از ادراک طبیعت در محیط، انسان ساخت؛مطالعه موردی: نمونه های مسکونی شهر همدان نشریه هنرهای زیبا، معماری و ساختمان، شماره 45 ،36-25.
* طالبی، ژاله، (1383) روابط اجتماعی در فضاهای شهری نامه علوم اجتماعی،161،24-180.
* گلکار، کورش، (1380) مؤلفه های سازندۀ کیفیت طراحی شهری، نشریۀ .38- صفه، سال یازدهم، شمارۀ سی ودوم، صص 55
* لنگ، جان، (1381) آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط ترجمه: علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران.
* لنگ، جان، (1383) آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمۀ علیرضا عینی فر، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران.
* عباس زادگان، مصطفی، (1380) رابطه ویژگی های نسبی فضاهای شهری و نحوه استفاده شهر ار آنها همایش توسعه و ضد توسعه شهر،تهران.
* Behave. 15: 659-98 Cave, S.(1999). Applying psychology to the Environment, London: Hodder & Stoughton Hall, E. T. (1982). The Hidden Dimension, New York: An.
* Canter D. (1983). The Purposive evaluation of Places: a facet Approach. Journal of ENV.
* Char Books, Doubleday. Hillier, B. & Hanson, J. (1984). The Social Logic of Space,
* Kaplan, R. and Kaplan, S. and Ryan, R. (1998). With People in Mind, Design and Management of Everyday Nature, Island Press, Washington DC.
* London: Cambridge University Press Ittelson W, Posnanski H, Rivlin, L. (1974). An Introduction to Environmental Psychology, New York: Holt Rinehart and Winston.
* Pasalar, Celen. (2003) . The effects of spatial layout on stud. dent’s interactions in middle schools: Multiple case analysis, unpublished thesis for degree of doctor of philosophy Fac.. ulty of North Carolina State University.